

روش‌شناسی مطالعات زنان: «بحث‌های گروهی»^۱

Emadriz

ترجمه: ارغوان فرزین*

چکیده

در این مقاله، نحوه کاربرد روش تحقیق بحث‌های گروهی در چارچوب نظریه فمینیست / پسامدرن طرح می‌شود. بحث‌های گروهی با فراهم کردن امکان خلق جمعی فرهنگ می‌تواند عاملی در جهت ایجاد هرچه بیشتر عدالت اجتماعی برای زنان باشد. در واقع این روش، نوعی روش پژوهشی جمعی است تا فردی و بر نظرات جمعی شرکت‌کنندگان درباره نگرش‌ها، حالات، تجربیات و اعتقادات خود تأکید می‌کند. ویژگی خاص بحث‌های گروهی، فراهم آوردن امکان مشاهده مهمترین فرآیند جامعه‌شناسی یعنی کنش‌های متقابل جمعی بشر است که آنها را قادر می‌سازد تا در یک دوره محدود زمانی، اطلاعات گسترده‌ای درباره این کنش‌های متقابل جمع‌آوری کنند. در واقع مزیت بارز این روش ایجاد زمینه برای مشاهده فرآیندی فعال در میان شرکت‌کنندگان است. مقاله حاضر متذکر این نکته می‌شود که در سال‌های اخیر دانشمندان علوم اجتماعی این روش را به عنوان یک شیوه پژوهشی کیفی مهم مدنظر قرار داده‌اند. و همچنین اشاره می‌کند که دانشمندان فمینیست با تأکید بر اولویت روش تحقیق قوم‌نگارانه بر شیوه‌های تحقیق پیمایشی، بر این باورند که در روش بحث‌های گروهی کنترل پژوهشگر نسبت به شرکت‌کنندگان در تحقیق به حداقل رسیده و طبیعت جمعی مصاحبه گروهی به شرکت‌کنندگان و به گفتار آنها قدرت و اعتبار می‌دهد و از آن جدایی که تحقیق سنتی میان اندیشه و احساس، مشاهده‌گر و مشاهده‌شونده ایجاد می‌کند، دوری می‌گزیند.

کلیدواژه

بحث‌های گروهی / پسامدرن / روش تحقیق کیفی / فمینیست / مطالعات زنان.

* دانشجوی رشته اقتصاد نظری دانشگاه الزهرا و کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.

«من ترجیح می‌دهم با این شیوه با گروهی از زنان صحبت کنم... وقتی با مصاحبه‌گر تنها هستم، احساس ترس و وحشت می‌کنم و زمانی که آنها با تلفن یا من تماس می‌گیرند، اصلاً به سؤالاتشان پاسخ نمی‌دهم. آخر چطور می‌توانم بفهمم که آنها واقعاً چه می‌خواهند یا که هستند؟»

ماریا فرناندز، زن ۲۵ ساله دومینیکنی (شرکت‌کننده در بحث‌های گروهی در واشینگتن‌هایتس، شهر نیویورک، بهار ۱۹۹۵)

دروشی که پژوهشگران برای جمع‌آوری اطلاعات از آنها استفاده می‌کنند عبارتند از: مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های انفرادی. بحث‌های گروهی ضمن بهره‌مندی از مؤلفه‌های هر دو روش در عین حال منحصر به فرد بودن خود را به عنوان یک روش تحقیق متمایز حفظ می‌کنند (مورگان، ۱۹۸۸). در اصل، این روش‌ها «راهی برای شنیدن اظهارات افراد و یادگیری از طریق آنها» می‌باشند (مورگان، ۱۹۸۸، ص ۹). با توجه به نظرات ماریا فرناندز، بحث‌های گروهی امکان تحقیق را درباره پاسخگویی فراهم می‌کند که از مصاحبه چهره به چهره و فرد به فرد ترسیده و تحت تاثیر آن قرار می‌گیرند. با ایجاد شرایط گفت‌وگو و ارتباط چند جانبه بین افراد، مصاحبه‌گروهی با فراهم کردن محیط امن برای شرکت‌کنندگان در تحقیق، آنها را قادر می‌سازد در این محیط از نظرات و عقاید افراد و چگونگی برخورد با اشخاصی که دارای شرایط مشابه اقتصادی، اجتماعی، نژادی و جنسیتی هستند، بهره‌مند شوند.

برخی از مطالعات انجام شده به روش بحث‌های گروهی نشان می‌دهند که شرکت‌کنندگان در این تحقیقات آن را رضایت بخش و مهیج‌تر از مصاحبه‌های فردی می‌یابند. (مورگان، ۱۹۸۸؛ ویلکینسون، ۱۹۹۸).

در این مقاله به نحره کاربرد بحث‌های گروهی در چارچوب فمینیست / پسامدرن پرداخته می‌شود. توجه اصلی قوم‌نگاران فمینیست / پسامدرن معطوف به مسایل اخلاقی در فرآیند مصاحبه و نقش مصاحبه‌کننده در این فرآیند است. این توجه، اهمیت ویژه‌ای به گفتار و احساسات شرکت‌کنندگان در این روش تحقیق می‌دهد (فوتانا^۲ و فری^۵، ۱۹۹۴). علاوه بر این، با آگاهی از عدم حضور و پنهان ماندن گروه‌های خاص در تحقیقات علوم اجتماعی - به ویژه زنان رنگین پوست - پژوهشگران فمینیست /

پسامدرن، نژاد و قومیت محققان و پاسخگويان را در مطالعات خود به صورت یک موضوع اصلی مد نظر قرار می‌دهند.

در طی سالیان متمادی زنان رنگین پوست در اغلب پروژه‌های تحقیقی ناگزیر به سکوت شده‌اند. در این بین بحث‌های گروهی برای زنان امکان «خلق جمعی فرهنگ» را فراهم می‌کند که نه تنها ستمی را که بر آنها وارد شده افشا می‌کند، بلکه نمایانگر شیوه‌های مقابله و مقاومت روزمره آنان با این ستم را نیز نشان می‌دهد. بحث‌های گروهی در این مورد می‌توانند عامل مهمی در ایجاد هر چه بیشتر عدالت اجتماعی برای زنان باشند زیرا می‌توانند تجربه روزمره‌شان را در تحمل این ستم‌ها و نیز راهبردهای مقاومت آنها برای بقاء فردی و جمعی را افشا کنند. بحث‌های گروهی بیشتر نوعی روش تحقیق جمعی است تا فردی و بر نظرات جمعی شرکت‌کنندگان درباره نگرش‌ها، حالات، تجربیات و اعتقادات خود تأکید دارد. به هر حال به چند دلیل روش‌های تحقیق انفرادی در علوم اجتماعی متداول‌تر بوده‌اند: اول آنکه تسلط پژوهش‌های کمی به ویژه در ایالات متحده استفاده از پرسشنامه‌های فردی را شیوه‌ای پذیرفته شده و مطلوب‌تر در جمع‌آوری داده‌ها می‌داند. دوم آنکه حتی در بین پژوهشگران کیفی، مصاحبه نفر به نفر و چهره به چهره بیشترین ابزار به کار رفته برای تحقیق به شمار می‌رود. فقط اخیراً اظهار نظر‌ها و بیانات جمعی توانسته‌اند مقبولیت محدودی در بین پژوهشگران کیفی به دست آورند حتی در نظر پژوهشگران فمینیست که ظاهراً بر طبیعت جمعی زندگی زنان تأکید دارند، هنوز هم مهمترین روش‌های تحقیق، روش‌های تحقیق انفرادی است (فینچ، ۶؛ ۱۹۸۴؛ اکلی، ۷؛ ۱۹۸۱؛ ویلکینسون، ۱۹۹۸). به عنوان یک فمینیست آمریکای لاتین، روش تحقیق بحث‌های گروهی را در چهارچوب اظهارات جمعی و مقاومت گروه می‌بینم. زنان به طور عام و زنان رنگین پوست به طور خاص می‌توانند با استفاده از این روش به افشای جنبه‌های خاصی از زندگی روزمره خود، احساسات، نگرش‌ها، امید و آرزوهای خود که کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بپردازند.

ویژگی خاص بحث‌های گروهی در این است که به دانشمندان علوم اجتماعی امکان مشاهده مهمترین فرایند جامعه‌شناسانه یعنی کنش‌های متقابل جمعی بشر را می‌دهد. و پژوهشگران را قادر می‌سازد که اطلاعات وسیعی درباره این کنش‌های متقابل در یک

دوره محدود زمانی به دست آورند. اگرچه بحث‌های گروهی در تحقیقات بازار بسیار مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما هنوز راه زیادی مانده تا پژوهشگران اجتماعی قوم‌نگار آنها را پذیرفته و با آن آشنا شوند. از این رو اطلاعات موجود درخصوص این روش نه تنها کمیاب بلکه نامنظم است. همان‌طور که مورگان و کروگر^۸ (۱۹۹۳) بیان می‌کنند «دانش اجتماعی و ارزیابی تحقیق هنوز در مرحله‌ای قرار دارند که بیشتر اطلاعات ما درباره بحث‌های گروهی از طریق تجارب شخصی است تا تحقیقات نظام منده (ص ۳). در هر حال در طی ۵ سال گذشته، بحث‌های گروهی در بین تعداد کمی از پژوهشگران فمینیست / پسا مدرن علوم اجتماعی محبوبیتی به دست آورده‌اند.

بحث‌های گروهی در مقایسه با مشاهدات مشارکتی گاهی با این ایراد مواجه می‌شود که خارج از زمینه طبیعی (واقعی) کنش متقابل اجتماعی رخ می‌دهند. در نتیجه، حجم آن دسته از داده‌های رفتاری که از طریق مصاحبه‌های گروهی می‌توان جمع‌آوری کرد کاهش یافته و به استثناء برخی موارد صرفاً به ارتباط زبانی، زبان اشاره و داده‌های نقل شده توسط فرد (report self) محدود می‌شود. علاوه بر این با توجه به ضرورت حضور یک تسهیل‌گر (facilitator)، تشخیص اینکه کنش‌های متقابل واقعی در بحث‌های گروهی نمود پیدا می‌کنند، مشکل می‌باشد. البته این محدودیت در مشاهده مشارکتی هم وجود دارد زیرا حضور پژوهشگر ممکن است بر رفتار کسانی که وی مشاهده می‌کند، تاثیر بگذارد. مزیت بارز بحث‌های گروهی در مقایسه با مصاحبه‌های فردی، در این است که این گروه‌ها امکانی را برای پژوهشگر فراهم می‌کنند تا روند تاثیرگذاری شرکت‌کنندگان بر یکدیگر را مشاهده کنند. این روندها غالباً در برگزیده و اکنش‌های غیرارادی از سوی اعضا است که فشار ناشی از شرکت در چنین بحثهایی را برای آنها کم می‌کند. همچنین این روش امکان مشاهده فرایندی فعال را در میان شرکت‌کنندگان فراهم می‌کند. در واقع اغلب جلسات حاوی عکس‌العمل‌های سریع اعضای گروه هستند که درگیری و مشارکت در بحث را تسهیل می‌نمایند. علاوه بر این کنش متقابل اجتماعی در بین شرکت‌کنندگان در گروه موجب کاهش میزان کنش متقابل بین تسهیل‌گر و اعضای گروه می‌گردد. این روش اهمیت بیشتری به عقاید شرکت‌کنندگان در تحقیق می‌دهد و تأثیر پژوهشگر بر فرایند مصاحبه را کاهش می‌دهد.

پیشینه تاریخی

مورگان (۱۹۹۸) مراحل توسعه این روش را در سه مرحله توضیح می‌دهد: اولاً، در طول دهه ۱۹۲۰، در علوم اجتماعی از این روش برای رسیدن به اهداف گوناگونی استفاده می‌شد که از مهمترین آن تدوین پرسشنامه برای پژوهش‌های پیمایشی بود. ثانیاً، در فاصله بین جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۷۰، بحث‌های گروهی به ویژه توسط پژوهشگران برای درک خواسته‌های مردم و احتیاجات آنها به کار گرفته شدند و در نهایت از سال ۱۹۸۰ تا کنون، مصاحبه‌های بحث‌های گروهی توسط حرفه‌های مختلفی به منظور انجام تحقیق در ارتباط با موضوعاتی چون سلامتی، رفتارهای جنسی و دیگر رفتارهای اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در واقع، در طول سال‌های اخیر دانشمندان علوم اجتماعی این روش تحقیق را به عنوان یک شیوه پژوهش کیفی مهم مدنظر قرار داده‌اند.

گرچه برخی از اولین محققانی که تحقیقات میدانی انجام می‌دادند، به کارگیری مصاحبه‌های گروهی را تأیید کردند، اما تعداد کمی از آنها نیز به این نوع تحقیقات به عنوان یک روش شناسی مجزا اشاره صریح داشتند. به عنوان مثال، برونیسلو مالینوفسکی^۹ یکی از چهره‌های شاخص انسان‌شناسی فرهنگی است به کارگیری این روش را با توجه به گفت‌وگوهایی که با گروه‌هایی از اهالی ایسلند داشته است، تأیید می‌کند، اما به طور واضح جزئیات و خصوصیات این مصاحبه‌های گروهی را در گزارش‌های خود شرح نمی‌دهد (فری و فوتانا، ۱۹۹۳). ویلیام فوته وایت^{۱۰} نویسنده کتاب جامعه کنار خیابان^{۱۱} (۱۹۸۴) نیز با اعضای یک گروه در بوستون مصاحبه‌های گروهی انجام داد اما انجام مصاحبه‌های گروهی را به عنوان یک روش منحصر به فرد و صریح نمی‌دانست.

در اوائل دهه ۱۹۴۰، رابرت مرتون^{۱۲} و پل لازارسفلد^{۱۳}، روش استفاده از مصاحبه‌های گروهی در علوم اجتماعی را معرفی کردند. در مرحله اول، آنها مصاحبه توسط بحث‌های گروهی را در برنامه‌های رادیویی یک مؤسسه تحقیقاتی در دانشگاه کلمبیا به کار بردند تا واکنش گروه‌هایی را که حول یک موضوع متمرکز شده و بحث می‌کنند در چنین برنامه‌هایی بررسی کنند (مرتون، ۱۹۸۷؛ استوارت^{۱۴} و شامداسانی، ۱۹۹۰، ۱۵).

از آن به بعد مصاحبه به روش بحث‌های گروهی به طور جدی و به‌خصوص در بین محققان بازار (researchers Market) یکی از روشهای تحقیق کیفی مورد علاقه بوده و به کار گرفته شده است.

تقریباً تا ۴۰ سال بعد از تلاشهای مرتون و لازارسفلد، هنوز مصاحبه‌های گروهی به عنوان یک روش تحقیق در علوم اجتماعی از مقبولیت چندانی برخوردار نبودند. اما از ۱۹۸۰ به بعد مصاحبه‌های گروهی به صورت یک روش تحقیق قابل توجه مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته جذابیت استفاده از این روش صرفاً به جامعه شناسان و مردم‌شناسان محدود نمی‌شود بلکه تعداد زیادی از دانشمندان علوم اجتماعی و افراد شاغل در سایر حرفه‌ها نیز این شیوه تحقیقی کیفی را به عنوان یک روش مناسب تشخیص داده‌اند. برای مثال سیاستمداران بحث‌های گروهی را برای تشخیص میزان آگاهی عموم از کاندیداهای سیاسی و نیز اطلاع از نظرات افراد مختلف در مورد موضوعی خاص مورد استفاده قرار می‌دهند. شامداسانی و استوارت در ۱۹۹۰ نشان دادند که چطور در دهه ۱۹۸۰ و دوره ریاست جمهوری ریگان این روش برای درک میزان آگاهی شهروندان آمریکایی و نیز شهروندان روسیه از روابط بین دو کشور به کار گرفته شدند. به این ترتیب آنها کاربرد شخصی خود از این تکنیکها را برای واکنش مصرف‌کنندگان در خرید اتومبیل‌های جدید شرح می‌دهند. در مجموع، بدون توجه به موارد خاص استفاده از این روش تحقیق، این گروه‌ها به عنوان یک ابزار ارزشمند برای تحقیقات اجتماعی و نیز تحقیق در سایر حرفه‌ها به شمار می‌روند (فری و فوتانا ۱۹۹۳؛ مورگان، ۱۹۹۸).

در علوم اجتماعی، مصاحبه‌های گروهی به دلیل افزایش تردیدی که در مورد کارایی جمع‌آوری اطلاعات فردی وجود داشت، توسعه پیدا کرد. این تردیدها (reservations) بیشتر بر نفوذ مصاحبه‌گر در تحقیق مشارکتی و نیز تأثیرات محدودی که پرسش‌های بسته (در پرسشنامه‌ها) بر روی افراد می‌گذارد، متمرکز می‌شود. شیوه‌های مستی مصاحبه که در ساختار پرسشنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند، با یک ایراد اصلی روبه‌رو بودند و آن اینکه دیدگاه‌ها و عقاید مصاحبه‌گرها و یا سؤالات پرسیده شده از شرکت‌کنندگان و نیز امکان انتخاب‌هایی که به این افراد داده می‌شد را به‌طور آگاهانه

تحت تأثیر قرار می‌دادند (کروگر، ۱۹۹۴). روش‌های کمتر هدایت‌شده (less directed methods) بر این فرض استوار شده‌اند که این روش‌ها برای به دست آوردن پاسخ‌هایی که واقعیت‌های اجتماعی را در مصاحبه بهتر بیان می‌کنند مناسب‌تر می‌باشند.

(کروگر، ۱۹۹۴) معتقد است پذیرش روش‌های کیفی، به‌ویژه بحث‌های گروهی، به خاطر تلقی تجربه‌گرایانه ناشی از تکیه بر اعداد و ارقام به عنوان قابل قبول‌ترین روش برای سنجش واقعیت اجتماعی و نیز به دلیل تأکید بر روش‌های کمی که «علمی» تر از روش‌های کیفی به حساب می‌آیند، روند‌کنندگی را در پیش داشته است. اگرچه استفاده از روش‌های کمی به‌خصوص در ایالات متحده بر سایر روشها کاملاً پیشی گرفته‌اند اما بسیاری از پژوهشگران اجتماعی معاصر مایلند اطلاعات بیشتری درباره عقاید، نگرش‌ها، و کنش‌های متقابل شرکت‌کنندگان در تحقیق داشته باشند. پژوهشگران فمینیست / پسامدرن، به‌خصوص معتقدند که روش‌های سنتی تحقیق با آن بخش از جمعیتی که به‌طور سنتی در حاشیه قرار گرفته‌اند، بیگانه‌اند. این پژوهشگران چنین روش‌هایی (سنتی) را به عنوان روش‌هایی نامناسب در انعکاس صدای گروه‌های حاشیه‌ای در نظر می‌گیرند. چرا که این روش‌ها شرکت‌کنندگان را در ارتباط با موضوعی که مساله شخصی و مورد نظر آنها نیست بلکه مورد توجه پژوهشگر است تحت فشار قرار می‌دهند (ماینارد، ۱۶ و پرویس، ۱۷، ۱۹۹۴). مهمتر آنکه، پژوهشگران فمینیست و پسامدرن معتقدند که دستاورد شیوه‌های سنتی تحقیق، داده‌های کیفی سطح بالایی نمی‌باشند. (ویلکینسون، ۱۹۹۸).

روش‌های گروهی: پسامدرن و فمینیسم

تعداد اندکی از پژوهشگران علوم اجتماعی تحت تأثیر مطالعات فمینیست / پسامدرن قوم‌نگارانه دست به کشف دوباره روش تحقیق بحث‌های گروهی زده‌اند و در حال حاضر نیز بطور فزاینده‌ای در حوزه‌های خاص خود از آنها استفاده می‌کنند. این تکنیک به ویژه مورد استفاده قوم‌نگاران پسامدرنی است که می‌کشند تا حد امکان به زندگی روزمره نزدیک مانده و در عین حال فاصله بین خود و شرکت‌کنندگان در تحقیق

را به حداقل برسانند. این عقیده وجود دارد که موقعیت گروه ممکن است تأثیر مصاحبه گر بر موضوعات تحقیق را با حفظ موازنه قدرت گروه کاهش دهد. زیرا بحث‌های گروهی بر انجام فعالیت‌های جمعی به جای فعالیت‌های انفرادی تأکید دارد و بیان آزادانه نظریات و اعتقادات را با تشویق اعضاء گروه به صحبت کردن ترویج می‌کند. (دنزین^{۱۸}، ۱۹۸۶؛ فری و فورتانا، ۱۹۹۳).

دانشمندان فمینیست که از عدم مشارکت و سردی در تحقیقات و نیز ناتوانی آن در کشف موقعیت زندگی و تجارب زنان ناراضی هستند، دیدگاهی تجربی تر و جامع تر برای تحقیق برگزیده‌اند. این دیدگاه تجارب روزمره زنان را به عنوان یک حوزه مهم مطالعاتی در نظر گرفته و کاربرد روش‌های بهینه در انجام یک بررسی دقیق را الزامی می‌نماید. در میان این روش‌ها «قوم‌نگاری (Ethnography) در پژوهش‌های فمینیستی» بسیار مناسب تشخیص داده شده است. (استیسی^{۱۹}، ۱۹۹۱، ص ۱۱۲). فمینیست‌ها بحث‌های زیادی در توجیه اینکه روش تحقیق قوم‌نگارانه بر شیوه‌های تحقیق پیمایشی سنتی الویت دارد، نموده‌اند. اول آنکه فمینیست‌ها به امکان تولید دوباره روابط قدرت میان پژوهشگر و شرکت‌کنندگان در مصاحبه چهره به چهره اشاره می‌کنند (فینچ، ۱۹۸۴؛ اکلی، ۱۹۸۱؛ ویلکینسون، ۱۹۹۸). بحث آنها این است که پژوهشگر معمولاً بر کل روند تحقیق از انتخاب موضوع گرفته تا انتخاب روش و حتی سؤالاتی که پرسیده می‌شود، تسلط دارد و چارچوب عقاید شخصی خود را به یافته‌های تحقیق تحمیل می‌کند. در روش بحث‌های گروهی، کنترل پژوهشگر بر اطلاعات جمع‌آوری شده، با کاهش قدرت پژوهشگر نسبت به شرکت‌کنندگان در تحقیق به حداقل می‌رسد. طبیعت جمعی مصاحبه گروهی به شرکت‌کنندگان، گفتار و تجارب آنها قدرت و اعتبار می‌دهد.

دوم آنکه تحقیق فمینیستی می‌کوشد از آن جدایی که تحقیق سنتی بر رابطه بین‌اندیشه و احساس، مسایل شخصی و سیاسی مشاهده‌گر و مشاهده‌شونده، و نیز تحقیق بی‌تعصب (dispassionate) یا عینی و دانش‌تعمصبی (passionate) یا ذهنی اعمال می‌کند دوری گزیند. در واقع توجه به تجارب موضوعی زنان یکی از موضوعات تحقیق بحث‌های گروهی است (استیسی، ۱۹۹۱) و پژوهشگران فمینیست بر تضاد و رویارویی‌های پیچیده به جای تحقیقات خطی و یک طرفه تأکید دارند.

باید توجه داشت که اگر چه پژوهشگران فمینیست مشاهدات مختلفی را در نظر می‌گیرند، اما نمی‌توانند به دیدگاهی واحد برسند. لسن^{۲۰} به سه نوع روش تحقیق فمینیستی اشاره دارد:

۱. تجربه‌های روزنه (Standpoint): نیاز به تاکید بر تجارب زنان در زندگی روزمره را که بیشتر با آن آشنا هستند مطرح می‌کند. این تجارب دائماً توسط زنان شکل گرفته، ایجاد می‌شود و مجدداً تغییر می‌کنند.

۲. تجربه‌گرایی فمینیستی (Feminist Empiricism): بر «استاندارد هنجارهای فعلی پژوهش‌های کیفی» تاکید دارد (ص ۱۶۳). این دیدگاه، شیوه‌های نوین و پیچیده‌ای ارائه می‌دهد که یافته‌های تحقیق را قابل باور می‌سازد.

۳. فمینیسم پسا مدرن (Postmodernist Feminist): بر داستان‌ها و روایات و نیز بر تولید و بازتولید دانش تاکید دارد.

علی‌رغم تفاوت‌های موجود در این روش‌ها، همه پژوهشگران فمینیست به تمرکز بخشی و مساله‌یابی (problematizig) در نظرات گوناگون زنان و تجارب زندگی آنان توافق دارند. به اعتقاد من، مصاحبه‌های گروهی، یک روش تحقیق کیفی است که نیازهای هر سه الگوی تحقیقی فوق را برطرف می‌کند. مصاحبه‌های گروهی از طریق بیان داستان‌های جمعی و روایاتی از مقاومت‌ها که مملو از نمادهای فرهنگی، واژه‌ها، علائم و جهان بینی‌هاست، ابعاد مختلف قدرت و تسلط موجود بر زنان را در تجارب روزانه آنان منعکس کرده و برای آشکار کردن تجارب روزمره زنان بسیار مناسبند.

به هر حال طبق تمایل عملگرایان فمینیست برای رعایت استانداردهای تحقیق کیفی (لسن، ۱۹۹۴) لازم است به این پرسش‌ها توجه بیشتری شود: چگونه یک دانشمند علوم اجتماعی می‌تواند تحقیقی اخلاقی را سامان‌دهی کند که از پاسخگویان نه فقط به‌عنوان ارائه‌کنندگان اطلاعات بلکه به‌عنوان عامل انسانی توانمند در ایجاد تغییرات اجتماعی استفاده کند؟ به طور کلی توانایی مصاحبه‌های گروهی و پروژه‌های تحقیق کیفی در ایجاد چنین تغییراتی چگونه است؟ آیا می‌توان این روش تحقیق را نوعی روش گردآوری اطلاعات و بخشی از فرآیند آگاهی‌بخشی دانست که از طریق آن مشارکت و کنش متقابل انسانی شکل می‌گیرد؟ و آیا بحث‌های گروهی روش تحقیقی معتبری است

که تأثیر رفتار و گفتار پژوهشگر بر شرکت‌کنندگان در تحقیق را کاهش می‌دهد؟
 فمینیست‌های سیاهپوست (مانند: کالینز^{۲۱}، ۱۹۸۶؛ هوکس^{۲۲}، ۱۹۹۰)،
 فمینیست‌های آمریکای لاتین (مانند: بن مایر^{۲۳}، ۱۹۹۱؛ گارسیا^{۲۴}، ۱۹۹۱؛ مادریز^{۲۵}،
 ۱۹۹۷) و فمینیست‌های آسیایی (مانند: چو^{۲۶}، ۱۹۸۷؛ اسپیریتو^{۲۷}، ۱۹۹۷) به ما
 یادآوری می‌کنند که تجربه زنان رنگین‌پوست، مبتنی بر جبر سه‌گانه بر پایه طبقه، نژاد و
 ستم جنسیتی است. از این رو پژوهشگران باید در انتخاب روش بررسی زندگی زنان به
 این جبر توجه کنند. اما همه روش‌ها برای مصاحبه با زنان مناسب نیستند و این موضوع
 در مورد زنان رنگین‌پوست نمود بیشتری پیدا می‌کند زیرا ممکن است آنان به هنگام
 صحبت با مصاحبه‌گر در مورد زندگی‌شان احساس نگرانی زیادی کنند. همان‌طور که
 کالینز (۱۹۹۸) مطرح می‌کند بحث معاصر درباره تحقیق کمی در مقایسه با تحقیق کیفی
 بازتاب نوعی دوگانگی میان آنچه مردانه، سفید پوست و علمی است، و آنچه از یک سو
 لطیف، ذهنی، زنانه، و احتمالاً سیاه پوست، آمریکای لاتینی و آسیایی است از سوی
 دیگر می‌باشد.

برخی از پژوهشگران شواهدی دال بر مخالفت ذهنی برخی زنان آمریکای لاتین و
 آمریکایی - آفریقایی با شرکت در تحقیقات پیمایشی و دیگر بررسی‌های مبتنی بر
 روش‌شناسی‌های تجربه‌گرایانه را ثبت کرده‌اند. این مخالفت به ویژه در بین زنان فاقد
 اسناد رسمی اقامت، زنانی که به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کنند یا بر این زبان تسلط
 ندارند و زنانی که به فعالیت‌های غیرسستی یا فعالیت‌های غیراقتصادی در بخش اقتصاد
 غیررسمی یا زیرزمینی دست می‌زنند، بیشتر است. در پاسخ به این مسأله برخی از
 پژوهشگران فمینیست کیفی که طرفدار استفاده از روش‌های گروهی برای مصاحبه
 با این زنان می‌باشند (فاین^{۲۸}، ۱۹۹۴؛ جارت^{۲۹}، ۱۹۹۳؛ مادریز، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸؛
 ویلکینسون، ۱۹۹۸). جارت (۱۹۹۳) به اهمیت استفاده از روش‌های گروهی در
 تحقیق بر روی زنانی که پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی پایین‌تری دارند به ویژه زنان
 رنگین‌پوست تأکید کرده است.

روش‌های گروهی نه فقط پژوهشگران را به شنیدن سخنان افراد تحت ستم
 تشویق می‌کنند، بلکه نوعی روش‌شناسی سازگار با تجارب روزمره زنان رنگین‌پوست و

ویژگی‌های آنها را نیز ارائه می‌کنند. زنان در طول تاریخ از گفت‌وگو با سایر زنان به عنوان روشی برای بحث درباره ستمی که به آنها روا داشته شده، استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال مشارکت با سایر زنان شیوه مهمی برای مواجهه و تحمل حاشیه‌ای شدن آنان بوده است. در طول تاریخ زنان دور هم جمع شده‌اند تا درباره جریاناتی که برای آنها مهم است صحبت کنند و در فعالیت‌های سیاسی وارد شوند. به عنوان مثال، چریل تاون سند گیلکز (۱۹۹۴، ۲۳۵) با اشاره به زنان آفریقای، آمریکایی و سیاه پوست بیان می‌کند که چطور بعد از اینکه دوره برده‌داری به پایان رسید زنان کلیسا و معلمان در سرتاسر جنوب جمع شدند تا مکان‌هایی را برای فعالیت زنان سازمان‌دهی کنند. باشگاه‌های زنان نیز مکان‌های مهمی بودند که در آن زنان به کمک هم یاد می‌گرفتند چطور تسلط مردان در سازمانهای تحت کنترل آنها را به چالش فراخوانند. به همین ترتیب زنان مکزیک ایزاری برای حفظ فعالیت‌های سنتی بوده‌اند. بدین ترتیب که گروهی جمع می‌شدند تا در جشن تولدها و مهمانی‌ها، آشپزی کرده^{۳۰} و در کنار آن با هم صحبت کنند و سنت‌های غنی شفاهی‌شان را زنده نگه دارند (دیل، ۱۹۹۴). در نهایت یین لی اسپیرتو (۱۹۷، ۳۹) توضیح می‌دهد که چطور در سال ۱۹۳۷، زنان چینی محله‌های چینی‌نشین سان فرانسیسکو، فعالیت‌هایشان را سازمان‌دهی کردند و در مقابل کارخانه پوشاک که تحت مالکیت فروشگاه ملی دلار^{۳۱} بود، احتصاب کردند. تمام این مثال‌ها نشان می‌دهند چگونه گردهمایی و مشارکت زنان، امکان انجام فعالیت‌ها و حرکت‌هایی را برای ایجاد تغییرات اجتماعی فراهم می‌کند.

حذف «دگرگویی»^{۳۲}: راهی برای گسترش تحولات اجتماعی

روش بحث‌های گروهی نیز مانند سایر روش‌های تحقیق پژوهشگران را قادر به دستیابی به عقاید، دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و تجارب افراد می‌نماید. این روش در دستیابی به داستان زندگی افراد و گروه‌ها به دانشمندان علوم اجتماعی کمک می‌کند. به هر تقدیر بحث‌های گروهی به عنوان یک روش‌شناسی کیفی امکان استفاده از شیوه‌های جدید تحقیق و گسترش تحولات اجتماعی را برای پژوهشگران علوم اجتماعی فراهم نموده است. بدیهی است که هیچ روش تحقیقی نمی‌تواند به راحتی چنین تحولی را ایجاد کند.

اما به نظر می‌رسد برخی از روش‌شناسی‌ها می‌توانند تاثیر کلام دیگران بر فرد را خنثی کنند (فاین، ۱۹۹۴؛ مادرز، ۱۹۹۴).

پژوهشگران فمینیستی که با روش‌های گروهی کار کرده‌اند گزارش داده‌اند که چگونه شرکت‌کنندگان در تحقیق، در مورد مباحث مورد علاقه‌شان بی‌آنکه منتظر پرسشی بمانند، پاسخ می‌دهند. به عنوان مثال، گریفین (۱۹۸۶) «در تحقیقات خود با تجارب زنان جوانی آشنا شد که برخی از گفتگوهای آنها در بحث‌های گروهی حتی در حوزه‌های پیش‌بینی شده هم قرار نداشته است». بدین ترتیب مصاحبه‌های گروهی به شرکت‌کنندگان فرصت می‌دهند در بحث‌ها حضور یابند، در ارتباط با محتوای بحث‌ها تصمیم بگیرند و در پیشبرد آن همکاری کنند.

همان‌طور که مایکل فاین (۱۹۴۴) خاطر نشان می‌سازد، پژوهشگران از روش تحقیقات کیفی در ایجاد ارتباط فرد با دیگران استفاده می‌کنند. در حقیقت این موضوع که رابطه بین پژوهشگر و شرکت‌کنندگان در تحقیق ساختاری استعماری و فرااستعماری (postcolonial structure) ایجاد می‌کند، تایید شده است. به نظر می‌رسد که مصاحبه‌های گروهی برخی از فاصله‌های بین افراد مشارکت‌کننده در تحقیق (self-other) را به طریق گوناگون کاهش می‌دهد. از طرفی چندصدایی شدن شرکت‌کنندگان در تحقیق، کنترل مدیر گروه را که در گروه، قدرت کمتری نسبت به مصاحبه‌های انفرادی دارد، محدود می‌کند (هلشتاین و گوپریوم، ۱۹۹۵؛ ویلکینسون، ۱۹۹۸) و از سوی دیگر خصلت هدایت نامنظم مصاحبه‌های گروهی، موجب کاهش کنترل پژوهشگر در روند مصاحبه می‌شود. (ابزاری که توسط قوم‌نگاران فمینیست مورد توجه قرار گرفت). پرسشنامه‌های ساختارمند که در برگرفته پرسش‌های بسته یا باز هستند، نفوذ پژوهشگر در هدایت گفت‌وگوها را به حداکثر رسانده و افکار، عقاید و پیشداوری پژوهشگر را به شرکت‌کنندگان القاء می‌کنند. اما این امکان نیز وجود دارد که در روش تحقیق بحث‌های گروهی بدون یک راهنمای مصاحبه، زبانهای ناشی از دخالت پژوهشگر را در کنش متقابل شرکت‌کنندگان به طور کامل حذف کند. در نهایت، روش بحث‌های گروهی نه فقط در برگرفته «روابط متقابل عمودی» یا رابطه متقابل بین پرسشگر و مصاحبه‌شونده است، بلکه «روابط متقابل افقی» بین شرکت‌کنندگان در

تحقیق گروهی را نیز شامل می‌شود. اگر چه ممکن است این بحث مطرح شود که امکان ایجاد روابط قدرت بین شرکت‌کنندگان وجود دارد، اما این رابطه، رابطه خلق شده توسط خود آنها و با قدرت خود آنهاست. در واقع مشاهده و ثبت نحوه گسترش این سلسله مراتب اجتماعی، ممکن است داده‌های بسیار مهمی را در اختیار پژوهشگر قرار دهند. روش بحث‌های گروهی به جای گوش کردن به دیگران یا شناخت آنان به طور مجزا امکان گوش کردن به صدای جمع و دیگران «به عنوان سازمان دهندگان و عاملین دانش» (فاین، ۱۹۹۲، ۷۵) و عاملین تغییر اجتماعی را فراهم می‌کنند. جتی کیتزینگر^۳ (۱۹۹۴) توضیح می‌دهد که چگونه با توجه به موقعیت گروه، خواست‌های مشارکت‌کنندگان، زبان و چارچوبی که برای بیان تجارب شخصی خود به کار می‌برند، اولویت می‌یابد. در این میان زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا آگاهی دقیق از نیازهای افراد در زندگی نیازمند درک نمادها، معانی و واژگان زبان است. بنابراین نیرویی که شرکت‌کنندگان در تحقیق، در مرحله گردآوری داده‌های بحث‌های گروهی دارند، صرفاً یک موضوع اخلاقی نیست. بسیاری از پژوهشگران گزارش کرده‌اند که چطور کنش مستقابل بین شرکت‌کنندگان متعجب به گردآوری اطلاعات با کیفیتی بالا می‌شود (ویلکینسون، ۱۹۹۸). شرکت‌کنندگان در تحقیق با طرح پرسش از یکدیگر می‌کوشند در این همکاری به چالش با تضادها و پاسخ‌های یکدیگر پردازند. من خودم نیز به هنگام تحقیق درباره ترس از جرم از این روش تحقیق استفاده کردم و متوجه شدم شرکت‌کنندگان در تحقیق به این طریق با یکدیگر مواجه می‌شوند:

ماریا: نه، بهتره بهتون بگم که از جنایت نمی‌ترسم.

جوانا: خوب، تو الان می‌گی که از جنایت نمی‌ترسی، پس چرا قبلاً گفته بودی که

درست نداری شباً تنها از خونه بیرون بری؟

روزا: درسته، قبلاً اینطوری گفته بودی.

ماریا: خوب، من دارم خیلی کلی حرف می‌زنم، من سعی می‌کنم از جنایت ترسم.

در این مثال و دیگر موارد مشابه، شرکت‌کنندگان در تحقیق به هنگام پاسخگویی به

پرسش‌هایی که تضادی در گفته و عملکرد واقعی‌شان در موقعیت‌های خاص مشخص

می‌کرد به چالش یا یکدیگر می‌پرداختند.

بحث‌های گروهی به ویژه از این رو اهمیت دارند که به پژوهشگر امکان می‌دهند شاهد یکی از مهمترین فرایندهای علوم اجتماعی یعنی کنش متقابل اجتماعی باشد، اهمیت دارند (برگ ۳۲، ۱۹۹۸). پژوهشگران در مصاحبه‌های گروهی برخلاف بسیاری از روش‌های سنتی تحقیق، مانند مصاحبه‌های چهره به چهره، به مشاهده شرکت‌کنندگان در تحقیق به هنگام بحث و تبادل نظر، و نیز ابراز عقاید و تجربیات یکدیگر می‌پردازند. در واقع سهم شدن افراد تجاربی از کنش‌های متقابل با ساختاری اجتماعی ایجاد می‌کند که دنزین (۱۹۸۹) آنها را «کنش‌گرایی متقابل تفسیری»^{۳۵} می‌نامد. چندگانگی کنشگرهای درگیر در بحث‌های گروهی فرآیند مصاحبه را فعال‌تر و پویاتر نموده و پیدایش اجتماعی معنایی را تسهیل می‌نمایند (هولشتاین و گوپریم، ۱۹۹۵). به همین دلیل کنش متقابل گروه جنبه مهمی از تحقیق به شمار می‌رود که به «انباشت دانش مشترک» کمک می‌کند (هولشتاین و گوپریم، ۱۹۹۵: ۷۱). وجود این ذخیره دانش مشترک در روند خلق تاریخ و فرهنگ جمعی اساسی است. در واقع برای زنان رنگین پوست که در اغلب موارد تجاریشان چه به عنوان پژوهشگر و چه به عنوان موضوع پژوهش در علوم اجتماعی نادیده انگاشته شده است، این نوشته اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در فروریختن دیوارهای سکوت زنان که باعث شده ویژگی‌های سه‌گانه زنان رنگین‌پوست و حاشیه‌نشینی آنها یعنی زن بودن، رنگین‌پوست بودن و به ویژه فقیر بودن آنها پنهان بمانند، تأثیر بسزایی دارد.

واضح است که بحث‌های گروهی راه‌حلی برای مشکل بازتولید «دگرگویی» نیستند. با این وصف در مرحله گردآوری اطلاعات، کار پژوهشگر را در شنیدن صدای جمعی شرکت‌کنندگان آسان می‌کند (فاین، ۱۹۹۴، ۷۵). چند صدایی در شرایط گروهی به تجارب مشارکت‌کنندگان با دیگرانی که زمینه‌های مشابه اقتصادی-اجتماعی، جنسیتی، نژادی و قومی دارند، اعتبار می‌بخشد. این اعتباربخشی مشارکت‌کنندگان را توانا می‌سازد و به ساختار تحقیق در تلاش برای رسیدن به عدالت اجتماعی کمک می‌کند (وست ۳۶، ۱۹۸۸). شاید در فرهنگی که بر فردگرایی و تفکیک تأکید دارد، تغییر دستور تحقیق به سوی عامه‌گرایی و جمع‌گرایی به نظر عجیب رسد.

پژوهشگر با کاربرد روش تحقیق مشاهده مشارکتی می‌تواند فرآیندهای اجتماعی را

در محیط واقعی خود و به وضوح ببیند. ممکن است گفته شود در روش تحقیق بحث‌های گروهی این اتفاق نمی‌افتد زیرا مکان ملاقات گروه‌ها توسط پژوهشگر مشخص می‌شود. فری و فورتانا (۱۹۹۳) معتقدند روش‌های تحقیق کیفی را می‌توان در یک طیف قرار داد. در مقایسه با دیگر روش‌های تحقیق، بحث‌های گروهی از مکان‌های آشنا تر و در مقایسه با تحقیقات میدانی و قوم‌نگاری از مکانهای غریبه‌تر استفاده می‌کنند. ظاهراً اختلاف زیادی در ارتباط با نحوه استفاده از بحث‌های گروهی وجود دارد و حتی برخی به استفاده از برخی امکانات ویژه مانند آینه‌های یک طرفه و ضبط ویدئویی برای ایجاد محیط‌های ناآشنا اشاره دارند. با این وصف، اغلب پژوهشگران فمینیست / پسامدرن مایلند از مکان خود شرکت‌کنندگان برای مصاحبه‌های گروهی میدان تحقیق استفاده کنند. من در کار خود عمداً از مکان‌های آشنا برای شرکت‌کنندگان مانند اتاق نشیمن یا آشپزخانه محل زندگی آنها، ناهارخوری، زیرزمین کلیسا، کلاس درس و حتی اتاق خواب جوانان استفاده کرده‌ام. استفاده از چنین مکان‌های آشنایی در تحقیق باعث افزایش قدرت پژوهشگر و کاهش «دگرگرای» می‌شود.

کاربرد روش بحث‌های گروهی به منزله اعتراف جمعی پژوهشگران فمینیست به استفاده از روش شناختی‌های تجربه‌گرایانه و متداول (conventional) در مطالعه زنان، به ویژه مطالعه درباره زنان رنگین پوست و زنانی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، اعتراض کرده‌اند (اتر لوئیس^{۲۷}، ۱۹۹۱؛ فونو^{۲۸} و کوک^{۲۹}، ۱۹۹۱؛ راین‌هارز^{۳۰}، ۱۹۹۲). برخی از جنجالی‌ترین موضوعات مورد نظر فمینیست‌ها به تحقیق درباره زندگی روزانه زنان و ویژگی‌های آنها و در نتیجه به دستیابی به زندگی خصوصی آنها مربوط است. بنابراین فمینیست‌ها سعی در استفاده و گسترش روش‌های تحقیقی دارند که ارتباط با زنان و درمیان آنها را تسهیل نماید. برخی از معمول‌ترین سؤالاتی که در ذهن پژوهشگران فمینیست ایجاد شده این است که: انجام تحقیق برای چه کسی، به وسیله چه کسی و چگونه است؟ حرف چه کسی ارزش دارد؟ (بنمایر^{۳۱}، ۱۹۹۱). یکی از اصول تحقیق فمینیستی در عبارت «تحقیق به وسیله، درباره و برای زنان» مطرح شده است (اکر^{۳۲}، بری^{۳۳}، اسفلد^{۳۴}، ۱۹۸۳؛ هاردینگ^{۳۵}، ۱۹۸۷). این

مسئله منجر به خلق ادبیات درباره زنان براساس تاریخ شفاهی، مصاحبه‌های ژرفانگر و اعترافات با هدف روایت زندگی روزمره زنان در حجمی وسیع شده است. جالب توجه اینکه تعداد معدودی از کتاب‌های روش تحقیق فمینیستی به کاربرد روش بحث‌های گروهی پرداخته‌اند (ویلکینسون، ۱۹۸۸).

از دهه ۱۹۸۰، ورود زنان آفریقایی، آمریکایی، آمریکای لاتین، آمریکایی آسیایی و بومی آمریکا به حوزه علوم اجتماعی که به گونه‌ای تدریجی اما بی‌مانند صورت گرفت منجر به انتظارات مهمی در مورد عدم حضور زنان رنگین پوست در پروژه‌های تحقیقی و ماهیت استعماری این پروژه‌ها شد. پژوهشگران فمینیست جهان سوم نیز درخصوص اعتراض به ماهیت فرااستعماری این تحقیقات با آنها هم صدا شدند.

من به عنوان یک پژوهشگر فمینیست آمریکای لاتین استفاده از روش بحث‌های گروهی را به عنوان شکلی از اعتراف جمعی تلقی می‌کنم. در طی نسلها زنان از «گفت‌وگوهای چند صدایی»^{۲۶} به شکل گفت‌وگو با مادران، خواهران، و همسایگان و دوستان مونث استفاده کرده‌اند. در یک فرهنگ مردم محور، برخی از این گفت‌وگوها با عنوان «اراجیف» و حتی «غیبت» به استهزا گرفته می‌شوند. با این حال از گذشته این گفت‌وگوها بهترین شیوه برای رویارویی با انزوا و ستم اجتماعی بوده‌اند. بدین ترتیب اعترافات، چه فردی و چه جمعی به نیروی محرکی برای پیروزی در چالش‌های اقتصادی-اجتماعی و سیاسی زنان مبدل می‌شوند (رندال^{۲۷}، ۱۹۸۰).

تعامل در گروه، همدلی و تجربه‌های مشترک را گسترش داده و به اعتماد به نفس افراد و بی‌پرده گویی شرکت‌کنندگان در جریان تحقیق کمک می‌کند. ارتباط میان زنان را می‌توان تجربه‌ای آگاه‌کننده و مهم در جریان افزایش خود آگاهی به شمار آورد. این فرآیند حقوق زنان را در اعتباربخشی به تجارب خود و آموختن از نظرات و اندیشه‌های یکدیگر ممکن می‌سازد (اکلی، ۱۹۸۱). آگاه شدن از وضعیت زنانی که مشکلات مشابهی را تجربه می‌کنند یا افکار مشابهی دارند مهم است زیرا در درک این موضوع که نظرات آنها مشروع و معتبر است به آنان کمک می‌کند. این آگاهی ممکن است به خود آگاهی زنانی کمک کند که مشکلات آنها صرفاً فردی نیست بلکه ساختاری است و با زنان دیگر مشترک است. این آگاهی همچنین با موضوع تحقیقی که در بطن جنبش‌های

مربوط به تحولات اجتماعی قرار گرفته، سازگار است.

به عنوان مثال، زنان آمریکای لاتین به فرهنگی تعلق دارند که در آن «خانواده من و جامعه من» الویت دارد (هیگ^{۲۸}، ۱۹۹۴؛ مارین^{۲۹} و ون اس مارین^{۳۰}، ۱۹۹۱؛ مور^{۳۱}، ۱۹۷۰). از آنجا که گروه‌های خویشاوندی گسترده در این منطقه متداول است، مشارکت یک روش عادی است اما مشارکت با زنان دیگر به ویژه برای زنان آمریکای لاتین مهم است. مثلاً در بسیاری از خانواده‌های آمریکای لاتین، زنان دور میز آشپزخانه می‌نشینند تا در مورد نوع غذا، نوشیدن قهوه و سایر کارها برنامه ریزی کنند. بنابراین ایجاد ارتباط از طریق بحث‌های گروهی را می‌توان روشی تلقی کرد که بسیاری از زنان آمریکای لاتین به آن عادت دارند. زنان آمریکایی - آفریقایی هم که در طول قرن‌ها با ستم برده‌داری مواجه بوده‌اند به همین‌گونه هستند. مشارکت با دیگر زنان یکی از روشهای مهمی بوده است که زنان آمریکایی - آفریقایی برای مقابله با این فشارها به کار برده‌اند. علاوه بر این همان طور که گلن (۱۹۸۶) مطرح می‌کند زنان آمریکایی - آسیایی «بسیاری از سنت‌ها را با پخت غذاهای بومی، سازماندهی جشن‌های سنتی، به‌کارگیری روشهای درمان سنتی در زندگی و انتقال فرهنگ عامه» حفظ کرده‌اند (ص ۱۹۶). آنها بیشتر این فعالیت‌ها را در حالی که مشغول گفت‌وگو با دیگر زنان هستند، انجام می‌دهند.

رینا بن مایر (۱۹۹۱) - پژوهشگر پرتوریکویی - از معدود کسانی است که به انتقال تجربه از طریق تاریخ شفاهی جمعی پرداخته است. بن مایر می‌گوید اعتراف جمعی، افراد را چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی توانا می‌سازد: «توانمندی اجتماعی افراد را قادر به صحبت کردن می‌کند و صحبت کردن نیز به آنها قدرت می‌دهد». بحث‌های گروهی به عنوان نمونه‌ای از اعتراف جمعی می‌تواند تجربه‌ای توانا ساز برای زنان به‌طور عام و زنان رنگین پوست به‌طور خاص باشد.

آینده روش تحقیق بحث‌های گروهی

اگر چه بحث‌های گروهی روشی مؤثر برای پرسشگری به شمار می‌رود که دارای توان بیشتری برای مطالعه در مورد زنان رنگین پوست است، اما کاربرد این شیوه در آینده بستگی به توانایی‌های پژوهشگران در درک این موضوع دارد که چنین شیوه‌ای کی

و کجا می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. بسیاری از پژوهشگران ممکن است با دلایل بسیاری که در این فصل تشریح شده ترغیب شوند تا از این روش استفاده کنند؛ در حقیقت شرکت‌کنندگان از اینکه فرصتی فراهم می‌شود تا در بحث شرکت کنند، از کمیت و کیفیت اطلاعات گردآوری شده، از امکان مصاحبه با چند نفر به طور هم زمان و مشاهده عکس العمل‌های آنان، از توانمند شدن شرکت‌کنندگان، و نیز شوق به وجود آمده در مورد موضوع لذت می‌برند. به این وصف، لازم است پژوهشگران بدانند تکنیک‌های دیگری مانند مصاحبه‌های فردی هم وجود دارند که ممکن است برای اهداف پژوهش آنها مناسب‌تر باشند. به عنوان نمونه پژوهشگر باید بداند استفاده از بحث‌های گروهی در مواردی که می‌خواهد شرکت‌کنندگان دربارہ مسائل کاملاً خصیصی خود صحبت کنند تکنیک مناسبی نیست. به عنوان مثال در بسیاری از موقعیت‌های شفلی ممکن است افراد در گفتن نظراتشان در حضور سرپرست گروه یا مقامات مافوق احساس راحتی نکنند (مورگان، ۱۹۹۸). همچنین پژوهشگران باید از گرد هم آوردن افرادی که شدیداً با هم مخالفند یا با هم دشمن هستند، در یک گروه کاملاً خودداری کنند. در نهایت زمانی که پژوهشگر باید نتایج تحقیق را تعمیم دهد استفاده از بحث‌های گروهی مناسب نیست. زمانی که تعمیم مورد نیاز است، پژوهشگران باید از روش‌های تحقیق کیفی و روش‌های نمونه‌گیری مناسب‌تر استفاده کنند.

امروزه بحث‌های گروهی تکنیک مهمی به شمار می‌روند چراکه این روش راهی برای شنیدن صداهای دیگران به پژوهشگران ارائه می‌کنند، به ویژه آنکه برای افرادی که مورد ستم قرار گرفته‌اند و می‌خواهند صدای خود را به گوش دیگران برسانند. بسیاری از مردم انتظار دارند که سیاستمداران، پژوهشگران علوم سیاسی، تحصیلکرده‌ها و دیگر افرادی که در موضع قدرت قرار دارند، به صحبت‌های آنها گوش فرا دهند (کرونگر، ۱۹۹۴). گرچه بحث‌های گروهی راه حلی برای شکستن سکوت کسانی که به آنها ظلم شده نیست، اما ممکن است کمکی باشد برای اینکه راحت‌تر بتوان صدای این افراد را شنید. برای دانشمندان علوم اجتماعی که تمایل به تغییرات اجتماعی دارند، این روش تحقیق احتمالاً به این امید مورد استفاده قرار می‌گیرد که امکان آشنایی با شخصیت افراد مشارکت‌کننده را برای پژوهشگر فراهم نماید تا وی بتواند از این مسئله آگاهی پیدا

کنده که آیا زنان خود به ستمی که به آنها روا داشته شده آگاه هستند یا نه. بکار بردن کلمات و دیدگاه‌های پاسخگویان در چنین روشی احتمالاً فرصتی فراهم می‌کند تا شرکت‌کنندگان در تحقیق بتوانند با ترس ناشی از حضور در جمع مقابله نموده و در خود تغییر ایجاد کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

31. Other authors	3. Williams
32. Jenny Kitzinger	4. Fontana
34. Berg	5. Fry
35. Interpretive Interactionism	6. Flach
36. West	7. Ockley
37. Datta - Lewis	8. Kitzinger
38. Kitzinger	9. Broome & Molinsky
39. Cook	10. William Foster Wright
40. Kitzinger	11. Susan Carter Soddy
41. Kitzinger	12. Robert Kitzinger
42. Adams	13. Paul L. Lantieri
43. Berry	14. Senter
44. Berg	15. Stransky
45. Harding	16. Maynard
46. Kitzinger	17. Evans
47. Kitzinger	18. Derrin
48. Kitzinger	19. Stacy
49. Kitzinger	20. Carter
50. VanDer Weert	21. Collins
51. Kitzinger	22. Hochstetler
	23. Beninger
	24. Ockley
	25. Molinsky
	26. Cook
	27. Kitzinger

پانویسها:

1. Norman K. Denzin & Yvonna. S. Lincoln (Eds) (2000): *Focus Groups in Feminist Research*. In *Hand Book of Qualitative Research* (Pp.835-849). Second Edition. California. Sage Publications
2. Morgan
3. Wilkinson
4. Fontana
5. Frey
6. Finch
7. Oakley
8. Krueger
9. Bronislaw Molinowski
10. William Foote Whyte
11. Street Corner Society
12. Robert Merton
13. Paul Lazarsfeld
14. Stwart
15. Shamdasani
16. Maynard
17. Purvis
18. Denzin
19. Stacey
20. Olesen
21. Collins
22. Hooks
23. Benmayor
24. Gaecia
25. Madriz
26. Chow
27. Espiritu

28. Fine
29. Jarret
30. Dill
31. National Dollar Store
32. Otherization
33. Jenny Kitzinger
34. Berg
35. Interpretive Interactionism
36. West
37. Eiter - Lewis
38. Fonow
39. Cook
40. Reinharz
41. Benmayor
42. Acker
43. Barry
44. Eseveld
45. Harding
46. Multivocal
47. Randall
48. Heyck
49. Marin
50. VanOss Marin
51. Moor



ژورنال مطالعات علوم انسانی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- Acker, J., Barry, K., & Esseveld, J. (1983). Objectivity and truth: Problems in doing feminist research. *Women's Studies International Forum*, 6, 423-435.
- Anderson, B.A., Silver, B.D., & Abramson, P.R. (1988). The effects of the race- of the inter - viewer on race related attitudes of black respondents in SRC/CPS national election studies. *Public Opinion Quarterly*, 52, 289-324.
- Benmayor, R. (1991). Testimony, action research, and empowerment: Puerto Rican women and popular education. In S.B. Gluck & D. Patai (Eds.), *Women's words: The feminist practice of oral history* (pp.159-174). New York: Routledge.
- Berg, B.L. (1998). *Qualitative research methods for the social sciences*: Boston: Allyn & Bacon.
- Cannon, L.W., Higginbotham, E., & Leung, M.L.A. (1988). Race and class bias in qualitative research on women. *Gender & Society*, 2, 449-462.
- Chow, E.N. (1987). The development of feminist consciousness among Asian American women. *Gender & Society*, 1, 284-299.
- Collins, P.H. (1986). Learning from the outsider within; The sociological significance of black feminist thought. *Social Problems*, 33, 14-32.
- Collins, P.H. (1990). *Black feminist thought: Knowledge, consciousness, and*

the politics of empowerment: New York: Routledge, Chapman & Hall.

Collins, P.H. (1998). *Fighting words: Black women and the search for justice*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Denzin, N.K. (1986). A postmodern social theory. *Sociological Theory*, 4, 194-204.

Denzin, N.K. (1989). *Interpretive interactionism*. Newbury Park, CA: Sage.

Dill, B.T. (1994). Fictive kin, paper sons, and compadrazgo: Women of Color and the struggle for family survival. In M.B. Zinn & B.T. Dill (Eds.), *Women of color in U.S. society* (pp. 149-169). Philadelphia: Temple University Press.

Espritu, Y.L. (1997). *Asian American women and men: Labor, laws, and love*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Etter-Lewis, G. (1991). Back women's life stories: Reclaiming self in narrative texts. In S.B. Gluk & D. Patai (Eds.), *Women's words: The feminist practice of oral history* (pp. 43-58). New York: Routledge.

Finch, J. (1984). "It's great to have someone to talk to": The ethics and politics of interviewing women. In C. Bell & H. Roberts (Eds.), *Social researching: Politics, problems, practice* (pp. 70-87). London: Routledge & Kegan Paul.

Fine, M. (1994). Working the hyphens: Reinventing self and other in qualitative research. In N.K. Denzin & Y.S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (pp.70-82). Thousands Oaks, CA: Sage.

Fonow, M. M., & Cook, J. A. (Eds.). (1991). *Beyond methodology: Feminist scholarship as lived research*. Bloomington: Indiana University Press.

Fontana, A., & Frey, J. H. (1994). Interviewing: The art of science. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (pp. 361-376). Thousands Oaks, CA: Sage.

Frey, J. H., & Fontana, A. (1993). The group interview in social research. In D. L. Morgan (Ed.), *Successful focus groups: Advancing the state of the art* (pp. 20 - 34). Newbury Park, CA: Sage.

Garcia, A. M. (1989). The development of Chicana feminist discourse 1970 - 1980. *Gender & Society*, 3, 217 - 238.

Gilkes, C. T. (1994). "If it wasn't for the women...": African American women, community work and social change. In M. B. Zinn & B. T. Dill (Eds.). *Women of color in U. S. society* (pp. 229 - 246). Philadelphia: Temple University Press.

Glenn, E. N. (1986). *Issei, nisei, warbride: Three generations of Japanese American women in domestic service*. Philadelphia: Temple University Press.

Griffin, C. (1986). Qualitative methods and female experience: Young women from school to the job market. In S. Wilkinson (Ed.), *Feminist social psychology: Developing theory and practice* (pp. 173 - 191). Milton Keynes, England: Open University Press.

Harding, S. (1987). Introduction: Is there a feminist method? In S. Harding

(Ed.), *Feminism and methodology: Social science issues* (pp. 1-14).
Bloomington: Indiana University Press.

Heyck, D. L. D. (1994). *Barrios and borderlands: Cultures of Latinos and Latinas in the United States*. New York: Routledge.

Holstein, J. A., & Gubrium, J. F. (1995). *The active interview*. Thousand Oaks, CA: Sage.

hooks, b. (1990). The politics of radical black subjectivity. In b. books, *Yearning: Race, gender, and culutral politics* (pp. 15 - 22). Boston: South End.

Jarrett, R. L. (1993). Focus group interviewing with low - income minority populations: A research experience. In D. L. Morgan (Ed.), *Successful Focus groups: Advancing the state of the art* (pp. 184 - 201). Newbury Park, CA: Sage.

Kitzinger, J. (1994). The methodology of focus groups: The importance of interaction between research participants. *Sociology of Health and Illness*, 16, 103 - 121.

Klein, D. (1995). The etiology of female crime:
A review of the literature. In B. R. Price & N. J. Sokoloff (Eds.), *The criminal justice system and women: Offenders, victims, and workers* (pp. 30 - 53). New York: Mc Graw - Hill.

Krinitzky, N. (1990). *Welfare dependence and psychological distress: A study of Puerto Rican women in New York Gity*. Unpublished doctoral dissertation, New York University.